

کار بست نظریه اسناد در اخلاق

محمد رضا موسوی نسب کرمانی^۱، سعید حیدری^۲

^۱ استادیار، گروه علوم تربیتی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران. smrmn1346@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد، موسسه اخلاق و تربیت، قم، ایران (نویسنده مسئول). hosainhydare@yahoo.com

چکیده

«نظریه اسناد» یکی از معروف‌ترین و کارآمدترین نظریه‌های مطرح در علم روانشناسی است که در موضوعات مختلفی مثل آموزش، دستاوردهای شغلی، طلاق و... کاربرد بسیاری دارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی استنباطی، به بررسی کار بست این نظریه در حوزه اخلاق پرداخته، تا اهمیت این نظریه را در حوزه اخلاق و تربیت نیز نمایان سازد. هدف از این کار بست برجسته ساختن نقطه‌ای موثر (اسندهای انسان) در حیطه تربیت اخلاقی است، تا مربیان بهتر بتوانند بر نقاط موثر در تربیت اخلاقی افراد متمرکز شوند. اسندهای انسان در آراسته شدن او به فضائل اخلاقی و دوری کردن از رذائل، و همچنین در حوزه اخلاق عرفانی، نقش برجسته و بسزایی را ایفا می‌کند. همچنان که می‌توان به کمک اسندهای آدمی، به ارزشیابی او در حوزه اخلاق پرداخت.

کلیدواژه‌ها: اسناد، اخلاق، توحید، اخلاق توحیدی، تربیت، تربیت اخلاقی.

۱. مقدمه

«در دهه ۱۹۷۰ میلادی، شاخه روانشناسی اجتماعی به شدت تحت سلطه و نفوذ نظریه پردازان و پژوهشگران اسناد قرار داشت. نظریه اسناد به عنوان نظریه‌ای که با مطالعه ادراک شخص، ادراک رویداد، تغییر نگرش، کسب خودآگاهی، مداخله‌های درمانی و بسیاری چیزهای دیگر مرتبط است، مطرح شد» (منصورزاد، ۱۳۹۹، ص ۱). اسناد نوعی علت‌یابی است که شخص نسبت به پدیده‌ها و اتفاقات روزمره انجام می‌دهد تا اطلاعات خود را هماهنگ و یکپارچه کند. به عنوان مثال، بعضی افراد موفقیت در یک امتحان مهم مثل کنکور را به لطف و عنایت خداوند نسبت می‌دهند، برخی دیگر به هوش و تلاش و موفقیت خودشان، و تعدادی هم به ایثار و فداکاری پدر و مادر یا خانواده خود اسناد می‌دهند.

امروزه نظریه اسناد یکی از کارآمدترین نظریات شمرده می‌شود، به طوری که «تحقیقات اخیر بر کاربرد نظریه اسناد در زمینه‌های گوناگون، از جمله پیشرفت‌های درسی، عملکرد شغلی، بازدهی کارگران، رضایت شغلی، موفقیت‌های ورزشی، انحرافات، جرایم، بزهکاری‌ها، الکلیسم، طلاق و نظایر آن تأکید داشته است» (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۳۱۸). پژوهش حاضر که با روش توصیفی استنباطی انجام شده، درصدد است تا آثار و برکات دیگری از این نظریه را با به کار بستن آن در حوزه اخلاق آشکار کند و برگ زرین دیگری بر افتخارات این نظریه بی‌نظیر بیفزاید. با توجه به اهمیت و ارزش بی‌بدیل اخلاق، خصوصاً در عصر حاضر و با توجه به مسائل جاری کشور ایران، ضرورت این تحقیق که گامی در جهت رشد اخلاقی نفوس است، عیان خواهد بود.

ارتباط این نظریه با حوزه اخلاق از آن جهت است که نوعاً اسنادهای ما موجب تهییج هیجانات و احساسات ما می‌شوند، به عبارتی «توجیه ما واکنش‌های هیجانی به وجود می‌آورند. افراد بعد از پیامدهای مثبت، عموماً احساس خوشحالی و بعد از پیامدهای منفی، عموماً احساس غمگینی یا ناکامی می‌کنند» (ریو، ۱۳۹۵، ص ۵۱۹). به عنوان مثال اگر ما در امتحانی نمره کمتر از ۱۰ گرفته باشیم، وابسته به نوع اسناد و تفسیر ما، هیجان خاصی در ما شکل می‌گیرد. اگر گمان کنیم امتحان سخت و غیرمنصفانه بوده و استاد را مقصر بدانیم، «عصبانی» می‌شویم، اگر علت را هوش پایین و استعداد ناکافی خود بدانیم و معتقد باشیم بهتر از این نمی‌توان نمره‌ای گرفت، «افسرده» می‌شویم، اما اگر احساس کنیم تلاش لازم را نکرده‌ایم، خود را «گنهکار و مقصر» می‌دانیم. مشابه همین احساسات در رابطه با اسناد رفتار دیگری نیز وجود دارد (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۰). وقتی هیجانی در ما شکل گرفت، احتمال وقوع رفتار مطابق و هماهنگ با آن احساس نیز بالا می‌رود، علاوه بر این ما در طول شبانه‌روز با اسنادهای مکرر و زیادی مواجه می‌شویم، یعنی افکار و احساسات ما براساس اسنادهایمان دائماً در حال تکرار شدن هستند

و روشن است که تکرار یک فکر و احساس کم‌کم حالتی شبیه به ملکه و خلق را در انسان پدید می‌آورد و در شاکله انسانی بسیار تأثیرگذار است. با توجه به اینکه پیامدهای اسناد در رفتار و اخلاق فرد نمودار می‌شود، از این جهت انتظار می‌رود کاربست این نظریه در حوزه اخلاق فواید قابل توجهی داشته باشد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر ترسیم نگاهی نو در حوزه تربیت اخلاقی بوده که مبتنی بر نظریه اسناد است.

۲. پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع اسناد تحقیقات فراوانی صورت گرفته، و محققان نظریه اسناد را در مسائل متعددی همچون آموزش، مسائل خانوادگی، اعتیاد و... به کار گرفته‌اند. اخیراً برخی مطالعات سعی کرده‌اند کاربرد اسناد را در مسائل دینی نیز تبیین کنند؛ عبدلی و احمدی (۱۳۹۶، ۱۳۹۵) در دو مقاله با عنوان‌های «خطاهای اسنادی و نقش آن در رفتار انسان از منظر قرآن کریم» و «انواع سبک‌های اسنادی و نقش آن در رفتار از نگاه قرآن کریم» به این موضوع پرداخته و نظریه اسناد را در آیات قرآن مورد بررسی قرار داده‌اند، ولی تمرکز بحث ایشان بر خطاهای اسنادی بوده و خیلی کم به حوزه مباحث اخلاقی وارد شده‌اند. در مجموع بررسی‌ها حاکی از آن است که پژوهشی به موضوع اسناد و رابطه آن با اخلاق نپرداخته و پژوهش حاضر در این زمینه دارای نوآوری است.

۲-۱. اسناد

نظریه اسناد یکی از کاربردی‌ترین نظریه‌های مطرح در علم روانشناسی اجتماعی است که پایه‌گذار بلامنازع آن فریتز هایدلر بوده و پس از وی، جونز و دیویس و هارولد کلی از پیشگامان این نظریه به‌شمار می‌آیند. در روان‌شناسی اجتماعی اسناد را اینگونه تعریف می‌کنند: «اسناد به فرایندی گفته می‌شود که افراد به کار می‌برند تا رویدادها یا رفتارها را به عوامل زیربنایی آنها پیوند دهند» (هایدر، ۱۹۶۴، ص ۱۶، ۲۳؛ کریمی، ۱۳۹۹، ص ۳۰۲). زندگی در دنیای غیرقابل پیش‌بینی بسیار سخت است. بنابراین، یکی از دلایل شکل‌گیری اسنادها در ذهن افراد همین است که افراد بتوانند امور و مسائل اطرافشان را پیش‌بینی کنند تا احساس سردرگمی به آن‌ها دست ندهد (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۳۰۳، ۳۰۵). جونز و دیویس با ابداع نظریه «استنباط متناظر» درصدد پاسخ به این پرسش هستند که ما چگونه اطلاعات مربوط به رفتار دیگران را پایه‌ای برای استنباط وجود صفات مختلف در آنان قرار می‌دهیم؛ به عبارت دیگر، چگونه براساس اعمال آشکار دیگران، به صفات و خلق‌وخوی ایشان پی می‌بریم (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۹). کلی معتقد است افراد برای رسیدن به اسناد علی از سه نوع اطلاعات استفاده می‌کنند؛ یعنی بررسی می‌کنند تا

بینند آیا یک رویداد همراه با: ۱. اشیای محرک، ۲. اشخاص (عمل‌کنندگان) و ۳. موقعیت‌ها، اتفاق می‌افتد یا نه (همان، ص ۶۲). طبیعتاً همه اسنادهای ما درست نیستند و ما در اسنادهایمان مثل سایر تفکراتمان دچار خطا و اشتباه‌هایی می‌شویم که در ادامه به دو نمونه از مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم. یکی از معروف‌ترین خطاها، خطای بنیادی اسناد می‌باشد که عبارت است از اینکه: اسنادهای ما درباره دیگران اینگونه است که معمولاً موفقیت‌های افراد را به محیط، و شکست‌های ایشان را به ناتوانایی افراد اسناد می‌دهیم (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۳۰۹). مثلاً اگر شخصی لیوانی از دستش بیفتد و بشکند، با خود می‌گوییم او فردی دست و پا چلفتی است، اما اگر همان فرد در یک رشته ورزشی مقام اول را کسب کند، فکر می‌کنیم به خاطر این بوده که رقیب‌های او چندان قوی نبوده‌اند. سوگیری خدمت به خود از دیگر خطاهای اسنادی است که ما نوعاً به آن مبتلا هستیم. این سوگیری دقیقاً عکس خطای بنیادی اسناد بوده و بیانگر این است که ما موفقیت‌های خودمان را به توانایی‌ها و استعداد‌های شخصی‌مان نسبت می‌دهیم، در حالی که نوعاً عامل شکست‌ها و مغلوب شدن‌هایمان را موقعیت و محیط می‌دانیم. توضیحات سیاستمداران بعد از شکست یا موفقیت در انتخابات و توضیحات ورزشکاران پس از موفقیت یا شکست در مسابقات، از مصادیق بارز این نوع سوگیری به‌شمار می‌روند (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۶). این نوع خطا از آنجایی خدمت به خود نامیده شده که افراد با اسناد بیرونی می‌توانند به نفع خود از مسئولیت‌هایی که متوجه ایشان است، شانه خالی کنند.

۲-۲. اسناد و تعریف مفاهیم اخلاقی

برخی از مفاهیم اخلاقی ماهیتی جز اسناد ندارند؛ چراکه تحقق آنها منوط به وقوع اسنادی در ذهن است و تا اسنادی نباشد، اساساً شکل نمی‌گیرند. از این‌رو به کمک اسناد می‌توان آنها را بازتعریف کرد. **شکر:** به عنوان مثال، مفهوم شکر در علم اخلاق اینگونه است. امام صادق (ع) شکر را اسناد نعمت به خدای متعال می‌داند: «وَأَدْنَى الشُّكْرِ رُؤْيَا النِّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۵۲). ما انسان‌ها دارایی‌ها و توانایی‌های زیادی داریم و خیلی از اوقات متوجه این کمالات نیز می‌شویم، لکن مشکل عمده این است که این کمالات را به خدای متعال منسوب نمی‌کنیم؛ حال گاهی خودمان را عامل و علت این کمالات می‌دانیم و گاهی با نگاهی ابتر به آنها، منشأ این نعمات را فراموش می‌کنیم. از این‌رو در روایت، به زیبایی اسناد نعمت به خدای متعال شکر خوانده شده و تعریف دقیقی از این مفهوم ارائه شده است.

عجب: مفهوم اخلاقی دیگری که اسناد در تعریف آن دخالت دارد، مفهوم عجب است. بعضی از عالمان اخلاق در تعریفی گفته‌اند: عجب عبارت است از بزرگ دانستن نعمت و تکیه بر آن بدون در نظر گرفتن نعمت‌دهنده «هو إعظام النعمة و الركون إليها مع نسيان إضافتها إلى المنعم» (فیض کاشانی،

۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۲۷۶). به تعبیر دیگر، عجب همان اسناد کمالات وجودی به خود و اسناد ندادن آنها به خداوند است. در واقع عجب با خطایی که در اسناد ما رخ می‌دهد، پدید می‌آید، و ما با یک اسناد اشتباه، به جای اینکه خوبی‌ها و کمالات را به علت اصلی اسناد دهیم، به خودمان نسبت می‌دهیم. به عبارت دیگر، عجب از نبود شکر، که اسناد نعم به خداوند است، پدید می‌آید، و عجب و شکر دو روی یک سکه اند که با نبود یکی، دیگری نمودار می‌شود.

تواضع: نقطه مقابل عجب و خودبینی، و اسناد کمالات به خود و همه چیز را از خود دیدن، تواضع و فروتنی است که در واقع نوعی اسناد نواقص به خود و اسناد کمالات به خداوند و دیگران است. انسان‌های متواضع هر نقشی ایفا کنند، باز می‌بینیم که آن را به حیل مختلف به غیر خود اسناد می‌دهند؛ در عوض هرگونه نواقصی را به راحتی به خود اسناد می‌دهند. بنابراین، اسناد در تعریف مفهوم تواضع و فروتنی نیز کارایی دارد.

شرک: مفهوم دیگر، مفهوم شرک است. از آنجا که شرک از گناهان کبیره است و نقش بسزایی در پدید آمدن رذائل در انسان دارد، مفهومی اخلاقی نیز به‌شمار می‌آید. شرک در مقابل توحید قرار دارد و از رذائل قوه عاقله به‌شمار می‌آید و به معنای شریک قائل شدن برای خدای سبحان است. «اشرک بالله ای جعل له شریکا فی ملکه»، یعنی برای خدا در ملکش شریک قرار داد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۴۴۹). از این‌رو اگر بخواهیم از پیامدهای شرک بگوییم، باید پیامد همه گناهان را به شماره درآوریم (جوادی، ۱۳۸۵، ص ۶۸۱). از آنجا که شرک مادر تمام رذائل است، سریان آن را در همه رذائل می‌توان یافت و ردپای آن را در هر رذیلتی می‌توان مشاهده کرد. خلعی (۱۳۸۳) مرز توحید و شرک را ماهیت «از اوایی» و «به سوی اوایی» می‌داند و معتقد است: هر حقیقتی و هر موجودی، مادام که او را در ذات، صفات و افعال، با خصلت و هویت «از اوایی» بشناسیم، او را درست و مطابق با واقع و با دید توحید شناخته‌ایم. اعتقاد به وجود موجودی که موجودیتش «از او» نباشد، شرک است. اعتقاد به تأثیر موجودی که مؤثریتش از او نباشد، باز هم شرک است؛ خواه اثر، اثر مافوق طبیعی باشد، مثل خلقت همه آسمان‌ها و زمین‌ها و یا یک اثر کوچک بی‌اهمیت باشد، مثل زیر و رو شدن یک برگ (ج ۱، ص ۱۹۹). با توجه به مطالب گذشته می‌توان شرک را چنین بازتعریف کرد: شرک، اسناد حقیقی کمالات به غیر خداوند است، چراکه فرد مشرک غیر خدا را در اثربخش بودن، شریک خداوند قرار داده و امور مختلف را حقیقتاً به آن‌ها اسناد می‌دهد. یا به تعبیر دیگر، شرک نوعی خطا در اسناد است که در آن فرد غیر خدا را نیز مؤثر مستقل می‌داند. طبیعی است که تا این اسنادهای حقیقی در مورد موجودات به اسنادهای تبعی تبدیل نشوند، شرک همچنان پابرجا خواهد بود و انسان پرستش‌گر بت‌هایی خواهد بود که به دست خود در قلب و ذهنش درست کرده است.

توحید: در مقابل، توحید که از فضیلت‌های قوه عاقله به‌شمار می‌آید و به معنای اعتقاد به یگانگی و یکتایی خدا در مقام ذات، صفت‌ها، فعل و عبادت (تهرانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۳۲) است، از اسناد همه امور به خدای متعال حکایت دارد. در نگاه اهل عرفان و معرفت، اصل معنای توحید، ارجاع دادن کثرات هستی به وحدت است (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۳۵۰). به عبارتی، توحید یعنی اسناد هر آنچه در هستی است، به خالقیت خدای متعال، اسناد همه اوصاف و کمالات به اسماء او و اسناد همه کنش‌ها و واکنش‌ها، و تأثیر و تأثرات به فاعلیت او.

شماتت: مفهوم اخلاقی دیگری که اسناد در تعریف آن دخیل است، مفهوم شماتت می‌باشد. عالمان اخلاق در تعریف شماتت آورده‌اند که شماتت عبارت است از اسناد بلا و مصیبت وارده بر اشخاص، به رفتار ناپسند و گناهان ایشان (نراقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۱). مثل اینکه گفته شود علت فوت زودرس فلان شخص این بود که او رباخوار بود... در اینجا شاهدیم که شماتت ماهیتی جز اسناد ندارد و آن اسناد بلا یا به بدی‌های شخص است.

حسن ظن و سوء ظن: در متون دینی توصیه‌های زیادی درباره اخوت و برادری و اینکه مسلمانان باید نسبت به یکدیگر اعتماد داشته باشند، شده است. از جمله خدای متعال دستور داده نسبت به یکدیگر حسن ظن داشته باشیم و از سوء ظن پرهیزیم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات، ۱۲). یعنی در قضاوت‌هایمان نسبت به دیگران امور بد و زشت را به ایشان نسبت ندهیم (سوء ظن)، و فعل مومن و مسلمان را اگر جا دارد، حمل بر صحت کنیم و امور خوب و خوشایند را به ایشان اسناد دهیم (حسن ظن). پس، حسن ظن یعنی اسناد امور خوشایند به افراد و سوء ظن یعنی اسناد امور نامطلوب به ایشان.

آزمایش و ابتلاء: در رابطه با مفهوم ابتلاء و آزمایش نیز تا وقتی ما اتفاقات و حوادث مختلف زندگی را به خود یا دیگری اسناد می‌دهیم، نمی‌توانیم به فهم درستی از این مفهوم نائل شویم. تصور ما چنین است که آزمایش الهی فقط در یک شرایط خاصی رخ می‌دهد و معمولاً کمتر برای ما اتفاق می‌افتد، درحالی‌که خداوند همیشه بندگان را می‌آزماید و اصلاً بدون آزمون، حرکت به سمت کمال معنا ندارد؛ همچنان که هدف خلقت انسان در برخی از آیات قرآن، امتحان و آزمون شمرده شده است (هود، ۷؛ ملک، ۲). به‌عنوان مثال، ما وقتی شکستن تلویزیون را به شیطنت کودکان اسناد می‌دهیم یا قبول نشدن در امتحان را به بی‌عرضگی خود اسناد می‌دهیم، طبیعی است که از مفهوم آزمایش و ابتلاء بازمانیم و آن را به‌درستی درک نکنیم. اگر به این مطلب پایبند باشیم که در عالم هیچ چیز تصادفی رخ نمی‌دهد و همه امور تحت تدبیر، تقدیر و ربوبیت خدای متعال است، همه حوادث را به خدای متعال اسناد می‌دهیم و آنچه اتفاق

افتاده را جز برای آزمایش و اینکه عکس العمل و واکنش ما چگونه خواهد بود، نمی‌بینیم. بنابراین، زمانی می‌توانیم به فهم درستی از مفهوم آزمایش و ابتلاء برسیم که امور را با توجه به توحید افعالی، به خدای متعال اسناد داده باشیم. اگر شکسته شدن تلویزیون را به جای اسناد به کودک، به خدای متعال اسناد بدهیم و بگوییم خواست خدای متعال بوده که این اتفاق رخ دهد و طبیعتاً مشیت او بی حکمت نیست و این حادثه برای آزمایش من است، آنگاه رفتار و واکنش دیگری نسبت به فرزندمان خواهیم داشت. با توجه به آنچه گذشت، مفهوم ابتلاء و آزمایش را می‌توان به این صورت بازتعریف کرد که آزمایش و ابتلاء یعنی اسناد حوادث و وقایع به خدای متعال. داستان حضرت سلیمان (ع) در قرآن کریم و آوردن تخت ملکه سبأ در کمترین زمان، شاهی است بر این مطلب؛ آنجا که حضرت سلیمان (ع) حاضر شدن تخت را به فضل و عنایت الهی اسناد می‌دهد (و حال آنکه تخت را شخصی که بهره‌ای از علم‌الکتاب داشت، حاضر کرده بود) و تصریح می‌کند که این فضل الهی برای آزمودن من بوده تا بداند بنده شاکری هستم یا نه: «فَلَمَّا رَأَهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ» (نمل، ۴۰). در روایات حضرات معصومین (ع) نیز به ما سفارش شده سائلی که به درب منزل شما می‌آید را فرستاده خدای متعال بدانید و به خدای متعال اسنادش دهید و به‌عنوان کسی که از طرف خدای متعال آمده، به او بنگرید: «السَّائِلُ رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ لِيَبْلِيَ بِهِ فَمَنْ أَعْطَاهُ فَقَدْ أَعْطَى اللَّهَ وَمَنْ رَدَّهُ فَقَدْ رَدَّ اللَّهَ تَعَالَى» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۱۹۹).

۳. اسناد و فضائل و رذائل اخلاقی (تأثیر اسناد در شکل‌گیری صفات اخلاقی)

از آنجا که ارتباط وثیقی میان اسندهای انسان، و حالات و احساساتش وجود دارد و همین حالات کم‌کم به ملکات و خلقیات او تبدیل می‌شود، لازم است تبیین شود که اسندهای آدمی چه اوصاف اخلاقی را به دنبال خواهد داشت.

امید و رجا: رجا در اصطلاح علم اخلاق ضد یأس بوده و به معنای خوشحالی و سروری است که از انتظار وقوع امر مطلوبی در دل ایجاد می‌شود (نراقی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۱). این رجا اگر حاصل اسناد امور به سبب‌ها و علل ظاهری باشد، سر از شرک خفی درمی‌آورد و باعث امید بستن به پدیده‌هایی می‌شود که علت حقیقی نیستند و با از هم گسستن پدیده‌ها، انسان سر از ناامیدی و یأس درمی‌آورد. چنانکه اگر حاصل، اسناد حقیقی تمام امور به خدای متعال، و تمام فعل و انفعالات را از او دیدن باشد، امید و رجا حقیقی و عین توحید خواهد بود؛ چراکه خداوند هم سبب‌ساز است و هم سبب‌سوز؛ و تا او نخواهد، سببی اثربخش نخواهد شد. از این‌رو به صرف فقدان اسباب ظاهری، امید خود را از دست نمی‌دهد، چراکه همیشه خود را متکی به نیرویی شکست‌ناپذیر می‌بیند. از این‌رو اسناد امور به خدای متعال باعث

می‌شود که در کوچک‌ترین امور نیز تنها خداوند را علت حقیقی ببینیم و تنها به او امید داشته باشیم. بنابراین، امید و رجای حقیقی تنها از اسناد همه امور به خدای متعال بدست می‌آید.

آواه (بسیار دعاگو) بودن: برای آواه که لغتی قرآنی بوده و از اوصاف پیامبران است، معانی مختلفی در کتاب‌های لغت و تفاسیر ذکر شده، یکی از معانی ذکر شده بسیار «دعاگو بودن» است («و الآواه، کشداد: الموقرُ بالإجابة، أو الدَّعاء، أی کثیر الدَّعاء، و به فُسّر الحديث: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مُحِبًّا آَوَاهًا مُنِيبًا» (واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۱۱). در برخی از روایات نیز آواه به همین معنای «کثیر الدعا» آمده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ آَوَاهٌ مُنِيبٌ قَالَ دَعَاءٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۱۲). از آنجا که انسان موجودی ضعیف و نیازمند است و به تنهایی قادر نیست که تمام امورات زندگی خود را مستقلاً انجام دهد، در مواقع نیاز به سمت اسباب و مسببات ظاهری کشیده می‌شود، تا حوائجش را به طریقی رفع کند. چراکه اسباب و علل ظاهری را علت حقیقی رافع نیازهایش می‌پندارد و این یعنی خطای در اسناد. نتیجه چنین اسناد اشتباهی، استقلال قائل شدن برای عوامل ظاهری و دست نیاز دراز کردن به سوی غیر خداست که نوعی شرک خفی است. در حالی که خداوند متعال خالق همه اسباب و علل است و هیچ سببی بدون اذن او کارگر نمی‌افتد. از این رو باید اسنادها متوجه خدای متعال باشد، تا در مواقع نیاز نیز انسان فقط از خدای متعال طلب حاجت کند. حاصل چنین اسنادی درخواست‌های مکرر از خداوند متعال، و آراسته شدن به صفت زیبای آواه بودن است.

شکر و کفران: یکی از موانع شکر این است که انسان نمی‌داند همه نعمت‌ها از طرف خداوند است. خدای متعال از طریق اسباب و وسایل، نعمت‌هایش را به انسان می‌رساند و از قضا وجود همین واسطه‌ها و اسباب مانع می‌شود که انسان نعمت را از طرف خدا نداند و فکر کند این وسیله‌ها فاعلیتی دارند و شکرهایش را نثار واسطه‌ها کند (تهرانی، ۱۳۹۱، ج ۱۰، ص ۳۰۶). به عبارت دیگر، نگاه مستقلانه به واسطه‌ها داشتن و آن‌ها را منشأ اثر و تأثیر دیدن، موجب می‌شود که فرد نعمت‌ها را به واسطه‌ها اسناد دهد و اراده خدای متعال را پشت آن‌ها نبیند و از خدا اسنادی و شکر خداوند بازبماند. نگاه استقلال‌ی و اسناد اشتباه، شاکر نبودن آدمی نسبت به خدای متعال و کفران نعمت‌های او را در پی دارد. گاهی مانع شکر این است که انسان خود را صاحب و مالک نعمت می‌داند. به تعبیری انسان دچار خطای اسنادی خدمت به خود شده و هر آنچه از نعمت‌ها را که می‌بیند، به خود اسناد می‌دهد: علم من، قدرت من، جمال من و... . منشأ چنین اسنادی نیز ضعف یا عدم اعتقاد به توحید افعالی خداوند است. چراکه شخص توهم خودمالکی داشته، خود را مالک استعدادها و داشته‌هایش می‌داند و التفاتی به این ندارد که تنها مالک هستی خداوند متعال است و هر چیزی که در دست ما است، امانتی است از طرف او که باید روزی همه

آن‌ها را تسلیم حق کنیم.

بخل و سخا: ما نوعاً با این مشکل مواجهیم که اشیای پیرامونمان را به خودمان اسناد می‌دهیم و خود را مالک حقیقی آن‌ها می‌دانیم. روابط و ضوابطی که در امور مالی مطرح و اجرا می‌شوند، مانند: انحصار حق تصرف به مالک و... نیز به نوعی خطای اسناد ما (مال من) را تأیید و تقویت می‌کنند و ما را بیشتر به توهم فرومی‌برند. طبیعتاً خطای اسنادی مالکیت موجب پیدایش احساس متناسب با آن می‌شود که در اینجا عبارت است از: احساس تعلق و دلبستگی به مال! به گونه‌ای که انسان مال را بخش و پاره‌ای از وجود خود تلقی می‌کند و همانند خودش آن را نیز دوست می‌دارد. قاعدتاً چنین حسی موجب می‌شود که انسان سعی کند مال را به هر طریقی که شده، نگه دارد و از زوال آن جلوگیری کند، چراکه شخص حس می‌کند با دادن مال، چیزی از وجود او کاسته می‌شود، لذا در مقام عمل بسط ید ندارد و بخل می‌ورزد. در طرف مقابل انسان موحد مالکی جز خدای متعال نمی‌بیند و هر آنچه در دست دیگران است را امانتی بیش نمی‌داند که باید روزی آنها را به صاحب آن بازگرداند، بنابراین، سخاوت و بخشش برای چنین فردی سخت نخواهد بود، چراکه از ملک خود نمی‌بخشد. از این‌رو با اسناد مالکیت به خدای متعال، در انسان جود و سخا به بار می‌نشیند.

عزت و ذلت نفس: در حدیثی از امیرمومنان (ع) آمده: حاجت‌هایتان را با عزّت نفس از دیگران طلب کنید؛ چراکه اجابت آن‌ها به دست خداوند است، «اطلبوا الحاجات بعزّة الأنفس؛ فإنّ بيد الله قضاءها» (انصاری قمی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۸). این یعنی توجه دادن انسان به توحید افعالی در امور اجتماعی. طبیعتاً اگر انسان رتق و فتق امور را منحصرأً به دیگران اسناد ندهد و دیگران را به عنوان فاعل‌های مستقلی نبیند، با تمام وجود در مقابل دیگران سر تعظیم فرود نمی‌آورد و نقش خدای متعال را در این بین بیش از دیگران می‌داند. بنابراین، نتیجه اسناد در اینجا درخواست عزت‌مندانه از غیر خواهد بود که منجر به عزیز شدن آدمی می‌شود. همین‌طور اگر انسان دیگران را تنها گره‌گشای کار خود تلقی کند و مبتلا به دیگر اسنادی باشد، در موقع نیاز تنها به سراغ او می‌رود و با تعظیم و تمناً خواستار حل مشکل می‌شود که در واقع به ذلّت نفس او می‌انجامد.

تواضع: اگر انسان یقین کند که هرچه از کمالات، مال و جان و... دارد، منسوب به علم، قدرت، زیرکی و تلاش خودش نیست، بلکه مستند به فضل خداوند متعال است که بدون درخواست و لیاقت انسان به او ارزانی داشته، حالتی از شکستگی و انکسار در نفسش ایجاد می‌شود که به سبب آن خود را کوچک و خدای متعال را بزرگ می‌بیند، این همان حالت تواضع است که انسان نسبت به خدای متعال پیدا می‌کند (تهرانی، ۱۳۹۱، ج ۶، ص ۲۰۰). بی‌تردید یقین به اینکه هرچه هست، از جانب خداوند است و اسناد به

غیر او ندارد، باعث می‌شود که فرد در برابر دیگران نیز چیزی برای خودش قائل نباشد و خود را برتر از دیگری نبیند. چراکه می‌داند هرچه هست، به خداوند اسناد دارد و بندگان در این بین از خود چیزی ندارند تا بدان فخر فروشی کنند.

صبر و بی‌تابی: یکی از علت‌های اساسی جزع و بی‌تابی در مصیبت، اسناد نعمت‌ها به خود یا به تعبیری توهم خودمالکی است. احساس مالکیت داشتن موجب می‌شود انسان آنچه را که به دست می‌آورد، حق خود بداند. لذا، هر چیزی را که از دست می‌دهد و یا می‌خواهد و به آن نمی‌رسد را ظلم به خود می‌داند. در چنین حالتی صبر معنا ندارد، چراکه او تصورش این بوده که در خوشایندها تنها خودش موثر بوده و در ناخوشایندها عامل دیگری به ناحق تأثیر منفی گذاشته و نعمت را از او گرفته است (پسندیده، ۱۳۹۴، ص ۱۶۹). در جانب مخالف، شخص موحد همه چیز و حتی نفس خود را ملک مطلق خدا می‌داند و همه امور را به او اسناد می‌دهد، هر دادن و گرفتنی را تصرف مالک در ملک خود تلقی می‌کند و خود را تحت ربوبیت الهی می‌بیند. زمانی که چیزی را از دست می‌دهد، غمگین نمی‌شود؛ چون باور دارد که مال او نبوده و امانت چند روزه‌ای بوده که به دست صاحبش برگشته، و وقتی نعمتی به او می‌رسد، مغرور نمی‌شود، چراکه آن را لطف خدای متعال می‌داند؛ از این‌رو هم بر مصیبت و هم بر نعمت صبر می‌کند.

عفو و خشم: این مطلب واضحی است که وقتی انسان بلا را به خدای متعال اسناد می‌دهد و اراده و مشیت الهی را دخیل در حادثه می‌داند، شخص یا شیء که عامل بلا است را مستقل نمی‌بیند، از این‌رو راحت‌تر می‌تواند طرف مقابل را مورد عفو و آمرزش قرار دهد. چون معتقد است این بلا مقدر بوده به او برسد و با تقدیر خدا نباید جنگید. برخلاف زمانی که همه چیز را به شخص مقابل اسناد می‌دهیم و او را مستقل در تأثیر می‌پنداریم. بنابراین، آنچه حادث شده، به إذن و اراده الهی بوده و به او اسناد دارد، و اگر مقدر نبود، هرگز اتفاق نمی‌افتاد. چنین نگاهی باعث می‌شود شخص برای افراد یا اشیائی که به نوعی باعث حادثه شده‌اند، استقلالی در تأثیر نبیند و همه چیز را به ایشان اسناد ندهد و در نتیجه هنگام وقوع حوادث خشمگین و غضبناک نگردد. به عبارت دیگر، شخص در چنین حالتی اسباب و مسببات را چون قلم در دست کاتب، مقهور اراده الهی می‌بیند، و همان‌طور که انسان عاقل بر قلم دست حاکم که حکم او را می‌نگارد، خشم نمی‌گیرد، بر کسی که با خواست خدا در حق او کاری کرده است نیز خشم نمی‌گیرد (نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲۸).

زهد و حبّ به دنیا: اسناد امور به خود، و خود را منشأ آثار دیدن موجب تعلق و وابستگی انسان به این آثار شده و احساس متناسب با این نوع اسناد را در انسان پدید می‌آورد که عبارت است از حبّ به دنیا.

وابستگی به ثروت، جاه و مقام و فرزندان به این جهت است که انسان خود را مستقل و منشأ اثر می‌بیند و در پی این اسناد، احساس مالکیت می‌کند. در نقطه مقابل، اسناد امور به خداوند و او را منشأ اثر دیدن موجب می‌شود که انسان فاعلیت خود را کمرنگ یا بی‌رنگ ببیند و خود را چیزی نداند؛ و وقتی چنین شد، اثری برای خود نمی‌بیند تا بخواهد بدان دلبسته شود. از این رو آنچه می‌بیند فقط فعل خداست و لذا خدای متعال در چشم او بزرگ و مورد حبّ و تعلق او واقع می‌شود و دیگران در نگاه او اثری نخواهند داشت. نتیجه چنین وابستگی به خدای متعال، وارستگی از دنیا و آنچه در آن است، شده و انسان را به منزلگاه زهد و گسستگی از دنیا می‌رساند.

توبه: ارتکاب گناه و اسناد گناه به خود و سهم فاعلیت پلید خود را دیدن، حالت پشیمانی و توبه را در انسان برمی‌انگیزاند. در طرف مقابل، توجیه، فرافکنی و خود را مقصر ندانستن و دیگران را عامل گناه خود تلقی کردن، خطا در اسناد را به دنبال دارد و اسناد گناه را به خود مشکل می‌سازد و حالتی چون تبرئه نفس و فرار از توبه را در انسان نمایان می‌کند.

حسن ظن و سوءظن: از جمله مواردی که مقوله اسناد در آن کاربرد دارد، حوزه اخلاق اجتماعی است. در حوزه روابط بین فردی تأکید اسلام بر حسن ظن و پرهیز از اسنادهای منفی و قضاوت‌های ناخوشایند نسبت به افراد است (حجرات، ۱۲). چراکه «نوع اسنادی که افراد در تفسیر رفتار دیگران می‌کنند، می‌تواند پیامدهای روانشناختی مهمی در جهت ائتلاف یا اختلاف آحاد جامعه داشته باشد» (عباس‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۳۴۸). از این رو در جریان افک می‌بینیم، قرآن کریم مسلمانان را سرزنش می‌کند که چرا اسناد خوب نسبت به رفتار یکدیگر ندادید و آن شایعه را پذیرفتید «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ» (نور، ۱۲). در روایات بسیاری نیز به این مسأله سفارش شده که رفتار و گفتار برادر مومن خود را به بهترین وجه حمل کنید و از اسنادهای ناپسند پرهیزید. البته این بدان معنا نیست که مومنان در رفتار و عملکردشان معصومند و خطایی نمی‌کنند، بلکه این توصیه‌های مکرر از این رو است که آرامش درونی ما حفظ شود و در نتیجه ارتباطمان با دیگران آسیبی نبیند. در روایات بسیاری نیز به این مسأله سفارش شده که رفتار و گفتار برادر مومن خود را به بهترین وجه حمل کنید و از اسنادهای ناپسند پرهیزید. البته این بدان معنا نیست که مومنان در رفتار و عملکردشان معصومند و خطایی نمی‌کنند، بلکه این توصیه‌های مکرر بدین جهت است که آرامش درونی ما حفظ شود و در نتیجه، ارتباطمان با دیگران آسیبی نبیند.

حسد: عامل اصلی حسادت این است که ما داشته‌ها و توانایی‌های افراد را به خود افراد اسناد می‌دهیم، به گونه‌ای که انگار عامل دیگری در این بین موثر نبوده است. به عنوان مثال ما به یک انسان باهوش به

گونه‌ای می‌نگریم که گویا او خودش این هوش را بدست آورده، و یا به یک فرد ثروتمند به گونه‌ای می‌نگریم که او ثروتش را خودش بدست آورده، آن وقت به دارایی او و نداری خود می‌نگریم و خواهان سلب نعمت از او می‌شویم. در حالی که هوش و ذکاوت خدادادی است و تا خدا نخواهد، کسی نمی‌تواند به ثروت دست یابد. لذا، اگر ما کمالات دیگران را به حساب فرد نگذاریم و به خدای متعال اسناد بدهیم (چرا که همه نعمت‌ها و کمالات از طرف خدای متعال است)، به این موضوع ملتفت خواهیم شد که حتماً حکمتی در این بین بوده که خداوند به ایشان چنین نعمتی را داده و در برابر تقدیر الهی دیگر جایی برای حسادت باقی نخواهد ماند.

۴. اسناد و اخلاق عرفانی

در اخلاق عرفانی که یکی از اقسام اخلاق اسلامی است و در مقابل اخلاق نقلی، فلسفی و تلفیقی قرار دارد (احمدپور، ۱۳۸۵، ص ۲۹)، به مسأله خواطر نفسانی توجه شایانی شده است. چراکه افعال آدمی از فکرها و خطوراتش برمی‌خیزند و پس از تصدیق، شوق و اراده، به عمل منجر می‌شوند. خواطر یعنی هر خطایی که بر قلب و دل سالک وارد می‌شود و وی در ورود آن تعمّدی ندارد (فضلی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۲). توضیح اینکه، ذهن انسان هرگز خالی از فکر نیست و چون حوضی است که رودهای مختلفی به آن سرازیر می‌شوند. طبیعتاً این فکر و خیال‌ها بدون علت به ذهن انسان نمی‌رسند و عواملی دارند. عارفان براساس عامل و علت فاعلی (ذات ربوبی، ملائکه، نفس و شیطان)، انواعی برای خطورات نفسانی ذکر کرده‌اند که عبارتند از: خواطر ربانی، خواطر ملکی، خواطر نفسانی و خواطر شیطانی (همان). در روایتی از امیرالمومنین (ع) خطورات به دو دسته ملکی و شیطانی تقسیم شده‌اند: «لَمَتَانِ لَمَّةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ لَمَّةٌ مِنَ الْمَلِكِ فَلَمَّةُ الْمَلِكِ الرَّقَّةُ وَ الْفَهْمُ وَ لَمَّةُ الشَّيْطَانِ السَّهْوُ وَ الْقَسْوَةُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۳۰). چنانکه قرآن عامل برخی خطورات را نفس آدمی می‌شمارد: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالشَّرِّ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي» (یوسف، ۵۳). در روایتی دیگر، فاعل برخی خطورات خدای متعال دانسته شده، «عِبَادُ نَاجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ وَ كَلَمَهُمْ فِي ذَاتِ عُقُولِهِمْ» (سید رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۳۴۲).

درباره اینکه این خطورات چگونه باید از یکدیگر بازشناسی شوند و نشانه‌ها و علامات هر یک چیست، عارفان و عالمان اخلاق دیدگاه‌هایی دارند. آنچه مرتبط با این پژوهش است، اسناد صحیح این خطورات به عوامل اصلی آن است. یعنی باید توجه داشت که آنچه به ذهن رسیده، آیا دعوتی از طرف شیطان و نفس اماره بوده، یا طلبی از جانب ربوبی و ملائکه؟ بدون شک اسناد این خطورات به علت‌های چهارگانه مذکور، نقش مهمی در سعادت آدمی خواهد داشت. چراکه این خطورات به مثابه بذر سعادت و شقاوت هستند (بقلی شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۰۲) و اگر آدمی در اسناد خطوراتش به عوامل آن، دچار

لغزش و اشتباه شود، به جای راه سعادت، راه شقاوت را می‌پیماید. وقتی فرد خطور ذهنی خود را به شیطان یا نفس نسبت می‌دهد و آن فکر را شیطانی می‌داند، درصدد مقابله و مواجهه با آن برمی‌آید و سعی می‌کند آن فکر پلید را از خود دور کند؛ برخلاف وقتی که علت و عامل خطور ذهنی را ذات ربوبی و ملائکه بدانند که در این صورت سعی می‌کند آنچه خطور کرده را به عرصه عمل بکشاند. در مرتبه بالاتر انسان سالک با پیشروی در مقامات اخلاقی، به شهود قلبی نائل می‌شود. از آنجا که تمام شهودات سالک، صحیح و منطبق با واقع نیست و در مواقعی شیاطین تصرفاتی را در رویای سالک انجام می‌دهند، برخی از کشف‌ها ربانی و برخی دیگر شیطانی خواهند بود. اسناد رویای دیده شده به شیطان یا خدای متعال، طبیعتاً نتایج مهمی دربردارد. مقصود اینکه، در اخلاق عرفانی نیز بحث اسناد بسیار مهم و اثرگذار است، چراکه شخص با توجه به اسندهایی که می‌دهد، عمل می‌کند. از این جهت دقت در درستی اسنادها در این مراحل که حساس‌تر هستند، باید دوچندان باشد تا مانع رهنی شیاطین و خطای در اسناد شود.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت «اسناد» نقش بی‌بدیلی در اخلاق ایفا می‌کند. به گونه‌ای که منشأ و سرچشمه پیدایش بسیاری از فضایل و رذایل اخلاقی است، در اخلاق عرفانی نیز کاربرد بسزایی دارد، و اساساً ماهیت برخی از مفاهیم اخلاقی اسناد است. همچنین در این بین نوعی آسیب‌شناسی اخلاقی براساس آموزه روانشناختی اسناد انجام گرفت و روشن شد که چگونه اسناد امور به خدا، در کسب فضایل، و اسناد آنها به خود، در گرفتار شدن در رذائل موثر است. به عبارت دیگر، نقش اعتقاد به توحید و خداخواهی در آراسته شدن به فضایل و کمالات اخلاقی از طرفی، و نقش منیت و خودگروی انسان در فرو رفتن در رذائل از طرفی دیگر نمایان شد و معنای این روایت که فرمود: «اعدی عدوک نفسک التی بین جنییک» بیشتر آشکار گردید. در این بین یکی از مواردی که ناخواسته تبیین شد، برجسته شدن نقش توحید در اخلاق و به عبارت دیگر تبیین اخلاق توحیدی بود. اینکه چگونه فضائلی مثل زهد، شکر، صبر، عفو و... به توحید برمی‌گردند و رذائلی مثل امید به غیر، درخواست از غیر، بخیل بودن، شکرها را نثار دیگران کردن، جزع و بی‌صبری کردن و... سر از شرک (خفی) درمی‌آورند، به خوبی آشکار شد. از میان اسندهایی که منجر به رذائل اخلاقی می‌شدند، اسناد مالکیت به خود، نقش مخرب‌تری داشت و رذائل گوناگونی را دامن می‌زد. شاید این به جهت در تضاد بودن حس مالکیت با عبودیت انسان بوده باشد. در گذشته مرسوم بود که وقتی طلاب کتابی را خریداری می‌کردند، پشت کتاب خود می‌نوشتند: «کیف اقول هذا ملکی و لله ملک السموات و الارض».

— منابع —

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ج ۱۰.
- احمدپور، مهدی (۱۳۸۵). *کتابشناخت اخلاق اسلامی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- انصاری قمی، مهدی (۱۳۸۴). *اکمال غرر الحکم*. قم: دلیل ما.
- بقلی شیرازی، روزبهان (۱۴۲۸ق). *تقسیم الخواطر*. قاهره: دار الآفاق العربیه.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۴). *الگوی شادکامی در اسلام*. قم: انتشارات دارالحديث.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۹۱). *اخلاق الهی*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۱، ۱۰، ۶.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). *توحید در قرآن*. قم: اسراء.
- خلجی، محمدتقی (۱۳۸۳). *اسرار خاموشان (شرح صحیفه سجادیه)*. قم: پرتو خورشید، ج ۱.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۱). *تقریرات فلسفه امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۳.
- ریو، جان مارشال (۱۳۹۵). *انگیزش و هیجان*. ترجمه: سید محمدی یحیی. تهران: ویرایش.
- سالازی فر، محمدرضا؛ آذربایجانی، مسعود؛ کاویانی، محمد؛ موسوی اصل، سید مهدی؛ عباسی، اکبر؛ تیبیک، محمدتقی (۱۳۹۳). *روانشناسی اجتماعی (با نگرش به منابع اسلامی)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عباس نژاد، محسن (۱۳۸۴). *قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی*. مشهد: بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- عبدلی، هادی؛ احمدی، محمدرضا (۱۳۹۵). *انواع سبک های اسنادی و نقش آن در رفتار از نگاه قرآن کریم*. در: کنگره بین المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عبدلی، هادی؛ احمدی، محمدرضا (۱۳۹۶). *خطاهای اسنادی و نقش آن در رفتار انسان از منظر قرآن کریم*. پژوهشنامه سبک زندگی، ۳(۴).
- فضلی، علی (۱۳۸۹). *علم سلوک*. قم: نشر معارف.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۷ق). *المحججه البیضاء*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲.
- کریمی، یوسف (۱۳۹۹). *روانشناسی اجتماعی (نظریه ها، مفاهیم و کاربردها)*. تهران: ارسباران.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العرب، ج ۶۸، ۱۲.
- منصورزاده، زهرا (۱۳۹۹). *بررسی رابطه بین سبک های اسنادی با رضایت زناشویی در بین دانشجویان متأهل دانشگاه شهید چمران و دانشگاه جندی شاپور اهواز*. رویکردی نو در علوم تربیتی، شماره ۴، ص ۵۵-۶۲.
- نراقی، احمد (۱۳۸۷). *معراج السعاده*. قم: هجرت.
- نراقی، مهدی بن ابی ذر (بی تا). *جامع السعادات*. بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ج ۲-۱.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل البيت، ج ۷.
- واسطی زبیدی، سید مرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالفکر، ج ۱۹.

تطبيق نظرية الإساند في الأخلاق

محمدرضا موسوى نسب كرماني^١، سعيد حيدري^٢

^١ أستاذ مساعد، قسم العلوم التربوية، مؤسسة الإمام الخميني للتعليم والبحث، قم، إيران. smrmn1346@gmail.com

^٢ ماجستير، معهد الأخلاق والتربية، قم، إيران (المؤلف المراسل). hosainhydare@yahoo.com

الملخص

نظرية الإساند تعتبر واحدة من أشهر وأكثر النظريات فعالية في علم النفس، حيث لها استعمالات عديدة في مجالات مختلفة مثل التعليم، والإنجازات المهنية، والطلاق، وغيرها. تهدف هذه الدراسة، باستخدام المنهج الوصفي-الاستدلالي، إلى استكشاف تطبيق هذه النظرية في مجال الأخلاق لإبراز أهميتها في الأخلاق والتربية أيضاً. الهدف من هذا التطبيق هو تسليط الضوء على نقطة فعالة (الإسانادات الإنسانية) في مجال التربية الأخلاقية، بحيث يمكن للمربين التركيز بشكل أفضل على العوامل المؤثرة في تنمية الأخلاق لدى الأفراد. تلعب الإسانادات الإنسانية دوراً مهماً في التحلي بالفضائل الأخلاقية والابتعاد عن الرذائل، وأيضاً في مجال الأخلاق العرفانية. يمكن أيضاً استخدام الإسانادات الإنسانية لتقييم الأداء الأخلاقي للأفراد.

الكلمات الرئيسية: الإساند، الأخلاق، التوحيد، الأخلاق التوحيدية، التربية، التربية الأخلاقية.

Application of Attribution Theory in Ethics

Mohammad Reza Mousavi Nasab Kermani¹, Saeed Heydari²

¹ Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. smrmn1346@gmail.com

² M.A., Institute of Ethics and Education, Qom, Iran (**Corresponding author**).
hosainhydre@yahoo.com

Abstract

"Attribution theory" is one of the most well-known and practical theories in psychology, with extensive applications in various domains such as education, occupational achievements, divorce, and more. Using a descriptive-inferential method, this study explores the application of this theory in the realm of ethics to highlight its significance in ethical education and development. The purpose of this application is to emphasize a critical factor (human attributions) in moral training, enabling educators to focus on key elements influencing moral development. Human attributions play a significant role in fostering ethical virtues, avoiding vices, and enhancing moral behavior in mystical ethics. Additionally, attributions can serve as a basis for evaluating individuals within the ethical domain.

Keywords: attribution, ethics, monotheism, monotheistic ethics, education, moral education.

Received: 2023/04/09 ; **Revision:** 2023/05/12 ; **Accepted:** 2023/06/21 ; **Published online:** 2023/06/26

Publisher: Teacher-Propagator Training Center of Seminaries
<https://tarbiatmotali.ismc.ir/>

Article type: Research Article
© the authors



<http://tarbiatmotali.ismc.ir/>